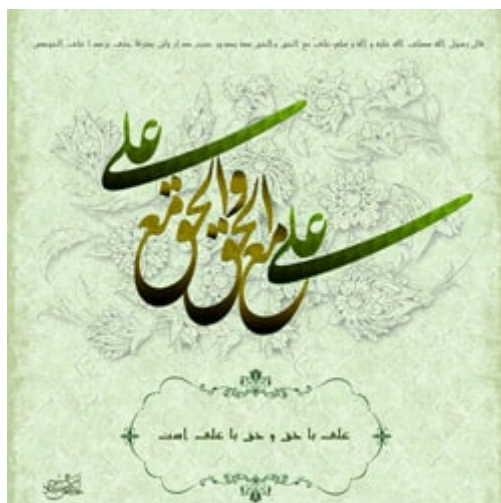


مولود کعبه

<"xml encoding="UTF-8?">



مولود کعبه

بنا به نوشته مورخین ولادت حضرت علی (علیه السلام) در روز جمعه 13 رجب در سال سیام عام الفیل (1) بطرز عجیب و بی سابقه ای در درون کعبه یعنی خانه خدا به وقوع پیوست، محقق دانشمند حجة الاسلام نیر گوید:

ای آن که حریم کعبه کاشانه تست	بطحا صدف گوهر یکدانه تست
گر مولد تو به کعبه آمد چه عجب	ای نجل خلیل خانه خود خانه تست

پدر و مادری موحد پدر آن حضرت ابوطالب فرزند عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف و مادرش هم فاطمه دختر اسد بن هاشم بود بنا بر این علی (علیه السلام) از هر دو طرف هاشمی نسب است. (2)
اما ولادت این کودک مانند ولادت سایر کودکان به سادگی و به طور عادی نبود بلکه با تحولات عجیب و معنوی توأم بوده است مادر این طفل خدا پرست بوده و با دین حنیف ابراهیم زندگی میکرد و پیوسته به درگاه خدا مناجات کرده و تقاضا می نمود که وضع این حمل را بر او آسان گرداند زیرا تا به این کودک حامل بود خود را مستغرق در نور الهی می دید و گوئی از ملکوت اعلی به وی الهام شده بود که این طفل با سایر موالید فرق بسیار دارد.

شیخ صدوق و فتال نیشابوری از یزید بن قعنب روایت کرده اند که گفت من با عباس بن عبدالمطلب و گروهی از عبدالعزی در کنار خانه خدا نشسته بودیم که فاطمه بنت اسد مادر امیرالمؤمنین در حالی که نه ماه به او آبستن بود و درد مخاض داشت آمد و گفت خدایا من به تو و بدانچه از رسولان و کتاب ها از جانب تو آمده اند ایمان دارم و سخن جدم ابراهیم خلیل را تصدیق میکنم و اوست که این بیت عتیق را بنا نهاده است به حق آن که این خانه را ساخته و به حق مولودی که در شکم من است ولادت او را بر من آسان گردان، یزید بن قعنب گوید ما به چشم

خود دیدیم که خانه کعبه از پشت (مستجار) شکافت و فاطمه به درون خانه رفت و از چشم ما پنهان گردید و دیوار به هم بر آمد چون خواستیم قفل در خانه را باز کنیم گشوده نشد لذا دانستیم که این کار از امر خدای عز و جل است و فاطمه پس از چهار روز بیرون آمد و در حالی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در روی دست داشت گفت من بر همه زن های گذشته برتری دارم زیرا آسیه خدا را به پنهانی پرستید در آنجا که پرستش خدا جز از روی ناچاری خوب نبود و مریم دختر عمران نخل خشک را به دست خود جنبانید تا از خرماي تازه چید و خورد (و هنگامی که در بیت المقدس او را درد مخاض گرفت ندا رسید که از اینجا بیرون شو اینجا عبادتگاه است و زایشگاه نیست) و من داخل خانه خدا شدم و از میوه های بهشتی و بار و برگ آنها خوردم و چون خواستم بیرون آیم هاتفی ندا کرد ای فاطمه نام او را علی بگذار که او علی است و خداوند علی الاعلی فرماید من نام او را از نام خود گرفتم و به ادب خود تأدیبش کردم و او را به غامض علم خود آگاه گردانیدم و اوست که بت ها را از خانه من میشکند و اوست که در بام خانه ام اذان گوید و مرا تقدیس و تمجید نماید خوشا بر کسی که او را دوست دارد و فرمانش برد و وای بر کسی که او را دشمن دارد و نافرمانیش کند. (3)

فضیلتی منحصر به فرد و چنین افتخار منحصر به فردی که برای علی (علیه السلام) در اثر ولادت در اندرون کعبه حاصل شده است بر احدی از عموم افراد بشر چه در گذشته و چه در آینده به دست نیامده است و این سخن حقیقتی است که اهل سنت نیز بدان اقرار و اعتراف دارند چنانکه ابن صباغ مالکی در فصول المهمه گوید:

«وَلَمْ يُولَدْ قَطُّ فِي بَيْتِ اللَّهِ تَعَالَى مَوْلُودٌ سِوَاهُ لَا قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ وَ هَذِهِ فَضِيلَةٌ حَصَّهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهَا إِجْلَالًا لِمَحَلِّهِ وَ مَنَزَلَتِهِ وَ إِعْلَاءً لِقَدَرِهِ» (4) ؛ یعنی پیش از آن حضرت احدی در خانه کعبه ولادت نیافت مگر خود او و این فضیلتی است که خدای تعالی به علی (علیه السلام) اختصاص داده تا مردم مرتبه بلند او را بشناسند و از او تجلیل و تکریم نمایند.

در جلد نهم بحار در مورد وجه تسمیه آن حضرت به علی چنین نوشته شده است که چون ابوطالب طفل را از مادرش گرفت به سینه خود چسباند و دست فاطمه را گرفته و به سوی ابطح آمد و به پیشگاه خداوند تعالی چنین مناجات نمود.

يَا رَبِّ رَبِّ رَبِّ الْعَسَقِ الدَّجِيِّ	وَ الْقَمَرِ الْمُتَبَلِّجِ الْمُضِيِّ
بَيِّنْ لَنَا مِنْ حُكْمِكَ الْمُقْضِيِّ	مَاذَا تَرَى لِي فِي إِسْمِ ذَا الصَّبِيِّ (5)

هاتفی ندا کرد:

خُصِّصْتُمَ بِالْوَلَدِ الزَّكِيِّ	وَ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ الرَّضِيِّ
إِنَّ إِسْمَهُ مِنْ شَامِخِ عَلِيٍّ	عَلِيٌّ أَشْتَقُّ مِنَ الْعَلِيِّ (6)

علمای بزرگ اهل سنت نیز در کتب خود به همین مطلب اشاره کرده اند و محمد بن یوسف گنجی شافعی با تغییر چند لفظ و کلمه در کفایة الطالب چنین می نویسد که در پاسخ تقاضای ابوطالب ندائی برخاست و این دو بیت را گفت.

يَا أَهْلَ بَيْتِ الْمُصْطَفَى النَّبِيِّ	خُصِّصْتُمْ بِالْوَلَدِ الزَّكِيِّ
أَنْ اسْمَهُ مِنْ شَامِخِ الْعَلِيِّ	عَلِيٌّ أَشْتَقُّ مِنَ الْعَلِيِّ (7)

و در بعضی روایات آمده است که فاطمه بنت اسد پس از وضع حمل (پیش از این که بوسیله ندای غیبی نام او علی گذاشته شود) نام کودک را حیدر نهاد و هنگامی که او را قنداق کرده به دست شوهر خود می‌داد گفت: خذه فانه حیدرة و به همین جهت آن حضرت در غزوه خیبر به مرحب پهلوان معروف یهود فرمود:

«إِنَّا الَّذِي سَمَّيْتَنِي أُمِّي حَيْدَرَةً» [ضرغام اجام و لیث قسورة (8)]

و چون نام آن حضرت علی گذاشته شد نام حیدر جزو سایر القاب بر او اطلاق گردید و از القاب مشهورش حیدر و اسدالله و مرتضی و امیرالمؤمنین و اخو رسول الله بوده و کنیه آنجناب ابوالحسن و ابوتراب است.

همچنین خدا پرستی و اسلام آوردن فاطمه و ابوطالب نیز از روایات گذشته معلوم میشود که آنها در جاهلیت موحد بوده و برای تعیین نام فرزند خود به درگاه خدا استغاثه نموده‌اند، فاطمه بنت اسد برای رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به منزله مادر بوده و از اولین گروهی است که به آن حضرت ایمان آورد و به مدینه مهاجرت نمود و هنگام وفاتش نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) پیراهن خود را برای کفن او اختصاص داد و به جنازه‌اش نماز خواند و خود در قبر او قرار گرفت تا وی از فشار قبر آسوده گردد و او را تلقین فرمود و دعا نمود. (9)

و ابوطالب هم موحد بوده و پس از بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به او ایمان آورده و چون شیخ و رئیس قریش بود لذا ایمان خود را مصلحة مخفی مینمود، در امالی صدوق است مردی به ابن عباس گفت ای عموزاده رسول خدا مرا آگاه گردان که آیا ابوطالب مسلمان بود؟ گفت چگونه مسلمان نبود در حالی که می‌گفت: «وَقَدْ عَلِمُوا أَنَّ إِبْنَنَا لَا مُكَذِّبَ لَنَا وَلَا يُعْبَأُ بِقَوْلِ الْأَبَاطِلِ»

یعنی مشرکین مکه دانستند که فرزند ما محمد (صلی الله علیه و آله) نزد ما مورد تکذیب نیست و به سخنان بیهوده اعتناء نمی‌کند مثل ابوطالب مثل اصحاب کهف است که ایمان خود را در دل مخفی نگه می‌داشتند و ظاهراً مشرک بودند و خداوند دو ثواب به آنها داد، حضرت صادق (علیه السلام) هم فرمود مثل ابوطالب مثل اصحاب کهف است که در دل ایمان داشتند و ظاهراً مشرک بودند و خداوند دو پاداش (یکی برای ایمان و یکی برای تقیه) به آنها داد. (10)

اشعار زیادی از ابوطالب در مدح پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مانده است که اسلام وی از مضمون آنها کاملاً روشن و هویداست چنانکه به آن حضرت خطاب نموده و گوید:

«وَدَعَوْتَنِي وَ ذَكَرْتَ أَنَّكَ نَاصِحِي» [فَلَقَدْ صَدَقْتَ وَ كُنْتَ قَبْلَ أَمِينًا]
«وَ ذَكَرْتَ دِينًا قَدْ عَلِمْتُ بِأَنَّهُ» [مِنْ خَيْرِ أَدْيَانِ الْبَرِيَّةِ دِينًا] (11)

به حضرت صادق عرض کردند که (اهل سنت) گمان کنند که ابوطالب کافر بوده است فرمود دروغ گویند چگونه کافر بود در حالی که می‌گفت:

«أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّا وَجَدْنَا مُحَمَّدًا. نَبِيًّا كَمُوسَى خُطَّ فِي أَوَّلِ الْكُتُبِ» (12)

شیخ سلیمان بلخی صاحب کتاب ینابیع المودة درباره ابوطالب گوید:

و حامی النبی و معینه و محبه اشد حبا و کفيله و مربيه و المقر بنبوته و المعترف برسالته و المنشد فی مناقبه ابیاتا کثیره و شیخ قریش ابوطالب. (13)

یعنی ابوطالب که رئیس و بزرگ قریش بود حامی و کمک پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بود و او را بسیار دوست داشت و کفیل معیشت و مربی آن حضرت بود و به نبوتش اقرار و به رسالتش اعتراف داشت و در مناقب او

اشعار زیادی سروده است. (درباره اثبات ایمان ابوطالب مطالب زیادی در کتب دینی نوشته شده و کتاب‌های مستقلی نیز مانند کتاب ابوطالب مؤمن قریش به رشته تألیف در آمده است) .

باری ولادت علی (علیه السلام) در اندرون کعبه مفاخر بنی هاشم را جلوه تازه‌ای بخشید و شعرای عرب و عجم در این مورد اشعار زیادی سروده‌اند که در خاتمه این فصل به چند بیت از سید حمیری ذیلا اشاره می‌گردد.

ولدتہ فی حرم الالہ امہ	و البیت حیث فنائہ و المسجد
بیضاء طاہرۃ الثیاب کریمۃ	طابت و طاب ولیدہا و المولد
فی لیلۃ غابت نحوس نجومہا	و بدت مع القمر المنیر الاسعد
ما لف فی خرق القوابل مثله	الا ابن امنۃ النبی محمد (14)

مادرش او را در حرم خدا زائید در حالی که بیت و مسجد الحرام آستانه او بود.

آن مادر نورانی که لباس‌های پاکیزه به تن داشت و خود پاکیزه بود و مولود او و محل ولادت نیز پاکیزه بود.

در شبی که ستاره‌های منحوسش ناپیدا بوده و سعیدترین ستاره به همراه ماه پدید آمده بود .

قابله‌های (دنیا) هیچ مولودی را مانند او لباس نپوشانده اند (یعنی هرگز مولودی مانند او بدنیا نیامده) به جز پسر آمنه محمد پیغمبر (صلی الله علیه و آله).

پی نوشت ها:

(1) حبشی‌های فیل سوار که به اصحاب فیل مشهورند تحت فرماندهی ابرهه برای ویران کردن کعبه به مکه آمده بودند که خداوند همه آنها را هلاک نمود و خود ابرهه نیز آخرین نفر بود که به هلاکت رسید چنانکه در قرآن کریم فرماید: (ألم تر کیف فعل ربک باصحاب الفیل؟) اعراب حجاز آن سال را مبارک شمرده و نامش را عام الفیل گذاشتند و ولادت نبی اکرم نیز در همان سال بوده است تا 71 سال پس از آن واقعه یعنی تا سال 18 هجری عام الفیل مبدأ تاریخ مسلمین بود ولی در سال مزبور که ششمین سال خلافت عمر بود به راهنمایی حضرت امیر از عام الفیل صرفنظر و سال هجرت نبوی مبدأ تاریخ مسلمانان قرار گرفت.

(2) ابوطالب پیش از ولادت علی (علیه السلام) دارای سه پسر دیگر هم بود که به ترتیب عبارتند از طالب، عقیل، جعفر.

(3) امالی صدوق مجلس 27 حدیث 9- روضة الواعظین جلد 1 ص 76- بحار الانوار جلد 35 ص 8 - کشف الغمه ص 19

(4) فصول المهمه ص 14

(5) ای پروردگار صاحب شب تاریک و ماه نور دهنده از حکم مقضی خود برای ما آشکار کن که اسم این کودک را چه بگذاریم.

(6) شما دو نفر (ابوطالب و فاطمه) اختصاص یافتید به فرزند پاکیزه و برگزیده و پسندیده پس نام او علی است و علی از نام خداوند علی الاعلی مشتق شده است.

(7) ینابیع المودة باب 56 ص 255- کفایة الطالب ص 406

(8) من آن کسم که مادرم نام مرا حیدر نهاد، شیر بیشه‌ام چنان شیری که زورمند و پنجه افکن باشد.

(9) اعلام الور- اصول کافی جلد 2 ابواب تاریخ امالی صدوق مجلس 51 حدیث 14

(10) امالی صدوق مجلس 89 حدیث 12 و 13- روضة الواعظین جلد 1 ص 139

- (11) بحارالانوار جلد 35 ص 124- مرا(بدین خود) دعوت کردی و من دانستم که یقیناً تو خیر خواه منی و تو از این پیش راستگو و امین بودی و دینی را به مردم عرضه داشتی که آن بهترین ادیان است.
- (12) اصول کافی جلد 2 باب ابواب التاریخ - آیا ندانستید که ما محمد(ص) را مانند موسی به پیغمبری یافتیم که در کتابهای گذشته نامش نوشته شده است.
- (13) ینابیع المودة باب 52 ص 152
- (14) روضة الواعظین جلد 1 ص 81